

## باسمه تعالی

- ۱..... وجدان آب در اثناء نماز و فقدان آن در اثناء یا بعد از نماز
- ۲..... مختار محقق نراقی: عدم کفایت تیمم برای نماز های دیگر
- ۲..... مختار محقق خویی و حکیم: تفصیل
- ۳..... مناقشه: عدم امکان تفکیک
- ۳..... جواب
- ۴..... اشکال
- ۴..... مناقشه به کلام محقق خویی
- ۵..... بررسی انتقاض تیمم نسبت به نماز های دیگر
- ۵..... مختار استاد: عدم انتقاض تیمم نسبت به نماز های دیگر
- ۶..... قول محقق خویی: عدم اکتفاء نسبت به نماز های دیگر
- ۷..... جواز مسّ قرآن در حال نماز
- ۸..... بررسی مسئله در فرض عدول نماز به نماز سابق
- ۹..... مناقشه محقق خویی بر کلام سید

**موضوع:** وجدان آب در اثناء نماز و فقدان آن در اثناء یا بعد نماز / احکام تیمم / تیمم

## خلاصه مباحث گذشته:

بحث در این بود که اگر مکلف متیمم در اثناء نماز بعد از رکوع دسترسی به آب پیدا کند، سپس در همان اثناء نماز یا بعد از آن فاقد آن آب شود، آیا می توان تیمم سابق را برای نماز بعدی نیز کافی دانست و یا اینکه باید یک بار دیگر تیمم به جا آورد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

## وجدان آب در اثناء نماز و فقدان آن در اثناء یا بعد از نماز

بحث در این مسئله بود:

« إذا وجد الماء في أثناء الصلاة بعد الركوع ثم فقد في أثنائها أيضا أو بعد الفراغ منها بلا فصل هل يكفي ذلك التيمم لصلاة أخرى أو لا »<sup>۱</sup>

۱ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۴.

بحث در این است که تیممی که نماز مکلف را تصحیح کرد، با فرض این که ما فاقد الماء هستیم، برای نماز های بعدی مفید است یا خیر؟

### مختار محقق نراقی: عدم کفایت تیمم برای نماز های دیگر

برخی فرموده اند که این تیمم برای نماز های بعدی کافی نیست. ادعا کرده بودند که مقتضای اطلاقات وضو و تیمم برای هر نماز است؛ آن اطلاق در مقام تخصیص نخورده است؛ پس باید برای نماز های دیگر تیمم کند. این قول را مرحوم حکیم از مرحوم نراقی نقل می کنند و جواب می دهند که گذشت<sup>۱</sup>.

### مختار محقق خویی و حکیم: تفصیل

بیان بعدی بیان خود مرحوم حکیم و محقق خویی است. ایشان تفصیل داده اند بین اینکه قطع نماز حرام باشد مثل نماز فریضه که در این صورت، مکلف که نماز را ادامه می دهد در این برهه از زمان که آب موجود است غیر متمکن است، عدم تمکن بر وضو بر او صدق می کند؛ زیرا شرعاً ترک نماز حرام است و گذشت که عدم تمکن اعم از عدم تمکن عقلی و شرعی است. در این فرض نیز به دلیل اینکه قطع نماز حرام است عدم تمکن شرعی صدق می کند لذا با همان تیمم باید نماز را ادامه دهد. اما اگر قائل به عدم حرمت قطع نماز باشیم؛ مثل اینکه نماز نافله باشد یا اینکه فریضه باشد لکن رکعت اول باشد بنابر قائلین به اطلاق یا اینکه بعد از رکوع باشد ولی به صورت کبروی مانند محقق خویی قائل شویم که دلیلی بر حرمت قطع نماز موجود نیست؛ طبق این مبنا اکنون که آب در اثناء نماز پیدا شد تمکن از وضو حاصل شده و موضوع مشروعیت تیمم بقائاً مرتفع شده است.

محقق خویی تنظیم کرده است به آن مسئله ای که بعد از نماز آب پیدا می شد و بعد از مدتی از بین می رفت<sup>۲</sup>. ایشان می فرماید: در آن مسئله روایتی خاص وارد شده است که باید تیمم را تجدید کند. اثناء نماز نیز مانند بعد از نماز است. در اثناء نماز آب پیدا شده است و بر فرض اینکه حرمت قطع هم نداریم، علی القاعده تیمم منتقض می شود لکن صحیحی زراره جواز

۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۷۱. «و استدلال له فی المستند بأن مقتضى الآیة وجوب الوضوء أو التیمم عند إرادة كل صلاة، خرج ما خرج بدلیل شرعی، فیبقى الباقي. مع أن المخرج - مثل صحیح زرارہ: «یصلی الرجل بتیمم واحد صلاة اللیل والنهار کلها؟ فقال (ع): نعم ما لم یحدث أو یصب ماء» «۱» - مخصوص بغير المورد. انتهى»

۲ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

ادامه ی نماز را می رساند. ما از دلیل انتقاض تیمم به دلیل این روایات معتبره که جواز اتمام نماز را می رساند رفع ید می کنیم. ولی نسبت به سایر موارد و سایر غایات از جمله نمازی که بعداً می خواهیم بخواهیم و از جمله مس قرآن، طهارت نداریم و تیمم منتقض شده است.

### مناقشه: عدم امکان تفکیک

برخی اشکال کرده اند که چگونه نسبت به نمازی که در دست دارد تیمم دارد و نسبت به نماز های دیگر تیمم ندارد؟ چگونه می توان تفکیک داد؟ اگر تیمم دارد پس نسبت به نماز های دیگر نیز باید داشته باشد.

### جواب

مرحوم حکیم در جواب فرموده است که سه احتمال موجود است که در دو احتمال تفکیک اشکال ندارد؛ ولی در یک احتمال تفکیک بعید است:

احتمال اول: تیمم مبیح باشد.

احتمال دوم: تیمم طهارت ناقصه باشد.

احتمال سوم: تیمم طهارت تامه باشد.

این بحث در ادامه خواهد آمد و محقق خویی نیز مفصل بحث کرده است. مرحوم حکیم فرموده است بنابر مبیح بودن تیمم، تفکیک غرابت ندارد؛ زیرا شارع می تواند بگوید این تیمم مبیح این نماز است و مبیح نماز بعدی نیست. بنابر طهارت ناقصه نیز غرابت ندارد؛ طهارت ناقصه است لذا می تواند این نماز را تصحیح کند زیرا وسط نماز آب پیدا شده است و شارع نماز را به همان طهارت ناقص اجازه داده است ولی نسبت به نماز بعدی ممکن است شارع این طهارت ناقصه را کافی نداند. اما اگر تیمم طهارت تامه باشد تفکیک بعید است. بعید است که طهارت تامه و کامله این نماز را تصحیح کند و نماز دیگر را تصحیح نکند.<sup>۱</sup>

۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۷۳.

## اشکال

مرحوم خوئی در اشکال به جواب مرحوم حکیم فرموده است: حتی اگر تیمم را طهارت تامه بدانیم تفکیک هیچ اشکالی ندارد؛ چرا که این ها امور اعتباری هستند. شارع می تواند بگوید من این طهارت کامله را برای نماز اعتبار کرده ام و برای نماز بعدی به هیچ وجه آن را طهارت نمی دانم.<sup>۱</sup>

به نظر ما نیز محقق خوئی درست فرموده است؛ چرا که در این جهت کامل یا ناقص بودن آن تفاوتی ندارد. بنابراین اینکه مرحوم حکیم فرق گذاشته است صحیح نیست. تفکیک مطلقاً غرابت ندارد؛ زیرا امر اعتباری است و شارع مقدس می گوید تیمم را برای این نمازی که در دست دارید به خاطر اینکه حرمت نماز از بین نرود، من اعتبار کردم، ولی برای نماز های بعدی به هیچ وجه این تیمم را طهارت نمی دانم. این ها امور اعتباری هستند و معتبر هرچه صلاح بداند می تواند انجام دهد.

مرحوم خوئی کلام مرحوم حکیم را تکمیل کرده است؛ فرموده است تیمم بالاضافه به این نماز طهارت است و بالاضافه به نماز های دیگر طهارت نیست.

## مناقشه به کلام محقق خوئی

این که محقق خوئی محل کلام را تنظیر کرده است به جایی که بعد از نماز آب پیدا شود، قیاس مع الفارق است. اگر بعد از نماز آب پیدا شود و قدرت بر وضو و غسل دارد منصوص بود و علی القاعده بود که باید تیمم جدید به جا آورد. ولی در این فرض که در حال نماز آب پیدا کرد نیز تیمم منتقض شده باشد صحیح نیست. درست است که بر مبنای عدم حرمت قطع نماز، مکلف ممکن از طهارت دارد، اما انتقاض تیمم ثابت نیست. بنابراین نمی توان این فرض را به فرضی که بعد از نماز متمکن بوده است قیاس کرد؛ چرا که شاید شارع مقدس به دلیل حرمت نماز و احترام آن، حکم تجدید تیمم را اعتبار نکرده باشد.

۱ موسوعة الامام الخوئی، السيد أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۸۷. «لا يفرق الحال فيما ذكرناه من انتقاض التيمم بوجدان الماء في أثناء الصلاة بالإضافة إلى بقية الصلوات فيما إذا جاز قطعها بين أن يكون التيمم مبيحاً للدخول في الصلاة وبين أن يكون رافعاً، و على الثاني لا فرق بين كون التيمم طهارة حقيقية في ظرف الفقدان وبين كونه رافعاً للحدث فقط مع بقاء الجنابة أو غيرها بحالها. و ذلك لأن الطهارة ليست من الأمور الحقيقية والواقعية التي لا يختلف حالها بالإضافة إلى الأشخاص والحالات، وإنما هي أمر شرعي اعتباري».

## بررسی انتقاض تیمم نسبت به نماز های دیگر

اما اینکه آیا به آب پیدا کردن در اثناء نماز، تیمم نسبت به نماز دیگر منتقض می شود یا خیر؟ اختلاف است.

## مختار استاد: عدم انتقاض تیمم نسبت به نماز های دیگر

ادعای ما این است که تیمم باقی می ماند و نسبت به نماز های بعدی نیز مجزی است. به نظر ما سید هم باید حکم بر بقای تیمم می کرد. توضیح :

اما بر مبنای حرمت قطع که عدم انتقاض تیمم پرواضح است. هم سید و هم مرحوم حیکم و محقق خویی قائل به عدم انتقاض شده اند؛ زیرا مکلف متکن از طهارت مائیه نیست. بر مبنای جواز قطع نماز نیز باز ادله ی تیمم به نظر سید اینجا را شامل می شود. ما هم در آن بحث این فرمایش سید را بعید ندانستیم. مرحوم سید در گذشته در موضوع تیمم که عدم تمکن از طهارت مائیه باشد توسعه می داد. ایشان می فرمود: همین که یک مبرری پیدا شود که آب را مصرف نکنیم حکم به جواز تیمم می کنیم. ایشان موضوع تیمم را توسعه می داد به هر جایی که نتوان وضو گرفت. به عنوان مثال در فرضی که مکلف مقداری آب دارد و حیوانی نیز بسیار تشنه است، اگر بخواهد آب را به آن حیوان بدهد، می تواند و باز هم تیممش صحیح است. با اینکه حفظ جان آن حیوان بر او واجب نبوده است. در این بحث نیز همین که قطع نماز حزات دارد و بی احترامی به نماز است، خود مبرری است برای جواز ادامه ی نماز با همان تیممی که برای نماز فعلی گرفته است.

بنابراین یک بیان این است که بگوییم علی القاعده چه قائل به حرمت قطع باشیم، چه جواز آن، علی القاعده این تیمم ادامه دارد و با آمدن آب منتقض نمی شود به دلیل احترامی که برای نماز قائل هستیم. شاید کسی به این بیان اینگونه اشکال کند که اینجا دیگر نماز احترامی ندارد زیرا ما از نماز با تیمم به نماز با وضو می رویم و احترام نمازی که با وضو خوانده می شود بدون شک بیشتر است؛ در این صورت بیان دیگری را ذکر می کنیم که خالی از اشکال است. بدین بیان که متفاهم عرفی از این روایات که امر به اتمام نماز می کند این است که تیمم شخص باطل نمی شود. در روایات آمده است :

« فَإِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ - فَإِنَّ التَّيْمُمَ أَحَدُ الطَّهْرَيْنِ »<sup>۱</sup> « يَمْضِي فِي صَلَاتِهِ فَيَتِمُّهَا وَلَا يَنْقُضُهَا »

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۸۲، أبواب بَابُ أَنْ مَنْ دَخَلَ فِي صَلَاةٍ بَتَيْمُمٍ ثُمَّ وَجَدَ الْمَاءَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْأَنْصَرَفُ وَالطَّهَارَةُ وَالِاسْتِنَافُ مَا لَمْ يَرُكْعْ، بَاب ۲۱، ح ۱، ط

ما ادعایمان این است که از همین روایات باب می توان عدم بطلان تیمم را حتی نسبت به نماز های دیگر استفاده کرد؛ معنای عرفی دو صحیح زرار و روایت محمد بن حمران، که اتمام نماز را مطرح می کنند این است که تیممی که مکلف انجام داده است به صحت خود باقی است.

ارتکاز این است که تیمم باقی است. این که بگوییم این تیمم فقط در حال نماز فعلی باقی است و در حال نماز منتقض نمی شود، خیلی بعید است. بسیار بعید است که تیمم منتقض شده باشد و فقط از باب تعبد نماز بی طهارت خوانده می شود. این کلام گفتنی نیست. ما نمی گوییم تفکیک عقلا بعید است ولی اینکه بگوییم ظاهر این روایت این است که تیمم فقط برای این نماز باقی است گفتنی نیست. ما ادعایمان این است همانطور که در صدر روایت ارشاد می کرد که تیمم منتقض شده است و دوباره بخواند، ظاهر روایاتی که امر به اتمام می کرد نیز این است که تیمم باقی است تا زمانی که ناقض نیامده است. تیمم تا آخر نماز باقی است و اگر بعد از نماز هم ناقض نیاید این تیمم نسبت به نماز های دیگر نیز صحیح است. بعید است که روایات در مقام بیان بطلان تیمم و در عین حال صحت تعبدی نماز باشند.

روایت می گفت می تواند با همین تیمم نماز را بخواند. همه ی نماز ها را می تواند بخواند تا زمانی که ناقض پیش نیامده باشد. بعد از نماز اگر تیمم باقی بود می تواند تمام نمازها را بخواند لذا تعلیق ی معلقینی که قائل به عدم اشکال شده اند<sup>۲</sup> به نظر ما صحیح است.

ظاهر روایات این بود که تیمم باقی است و لذا می توان با این تیمم هر نمازی را به جا آورد. با اینکه بقاء تیمم را امام علیه السلام بر خلاف قاعده فرمودند ولی در عین حال می توان با استظهار عرفی گفت که نسبت به سایر نماز ها نیز تیمم او باقی است.

## قول محقق خوئی: عدم اکتفاء نسبت به نماز های دیگر

محقق خوئی در بحث تفصیلی که در تنقیح کرده است قائل به عدم کفایت تیمم مذکور برای نماز های دیگر است<sup>۳</sup>، ولی در تعلیق بر عروه مطلبی فرموده اند؛ شاید دلیل عدم تعلیق ایشان این باشد که در تنقیح گفته بودند بنابر قول به حرمت قطع نماز

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۸۳، أبواب باب أن من دخل فی صلاة یتم ثم وجد الماء وجب علیه الأنصراف و الطهارة و الاستنفاة ما لم یرکع، باب ۲۱، ح ۴، ط آل البیت.

<sup>۲</sup> العروة الوثقی (المحشی)، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۲، ص ۲۲۶.

<sup>۳</sup> موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

تیمم باقی است. بنابراین چون شک در حرمت قطع نماز دارد، لذا شک در بقای تیمم دارد لذا با احتیاطی که مرحوم سید فرموده است موافقت نموده است و حاشیه ای نگاشته است.

## جواز مس قرآن در حال نماز

اما مسئله ی ۱۸. این مسئله نیز از فروعات مسائل قبل است.

مرحوم سید می فرماید:

« فی جواز مس کتابه القرآن و قراءة العزائم حال الاشتغال بالصلاة التي وجد الماء فيها بعد الركوع إشكال لما مر من أن القدر المتيقن من بقاء التيمم و صحته إنما هو بالنسبة إلى تلك الصلاة »<sup>۱</sup>

بافرض مسئله ی قبل که تیمم را برای نمازی ک مکلف مشغول به جا آوردن آن است کافی دانستیم، آیا می تواند در ادامه ی نماز که قرآن به دست گرفته است و سوره ای را از قرآن می خواند به قرآن دست بزند یا خیر؟ فرض این است که نماز را می تواند ادامه دهد ولی آیا می تواند در حال نماز دست به قرآن بزند یا خیر؟ سید در این مسئله نیز اشکال دارند .

منشا اشکال این است که سید در مسئله ی قبل نیز گفته بودند که این طهارت تیمم، فقط نسبت به همان نماز است، لذا این طهارت حتی شامل مس قرآن در نماز نیز نخواهد شد . فقط در خصوص براءت ذمه ی از این نماز است که روایات شامل این تیمم می شود و سایر اعمال را شامل نیست. ایشان می نویسد:

« لما مر من أن القدر المتيقن من بقاء التيمم و صحته إنما هو بالنسبة إلى تلك الصلاة »

در ادامه می فرماید:

« نعم لو قلنا بصحته إلى تمام الصلاة مطلقا كما قاله بعضهم جاز المس و قراءة العزائم ما دام في تلك الصلاة »<sup>۲</sup>

بله اگر بگوییم که تیمم تا آخر این نماز به صورت مطلق طهارت است و آن را مخصوص نماز ندانیم، می توان قائل به صحت مس قرآن در نماز شد همانطور که برخی نیز اینگونه گفته اند.

۱ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۶.

۲ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۶.

مرحوم سید اینجا کمی کوتاه آمده است ولی باز اشکال دارند، ایشان قدر متیقن را طهارت در حال نماز و همچنین فقط به لحاظ نماز می دانند. ما عرض کردیم که تیمم حتی بعد از نماز هم ادامه دارد. به طریق اولی در همین نماز اگر می خواهد مس کتاب کند اشکالی نخواهد داشت. بسیار بعید است که بگوییم فقط برای همین نماز است و حتی شامل مس کتاب در حین نماز هم نمی شود. در گذشته هم عرض کردیم که شارع مقدس وقتی حکم به طهارت بودن این تیمم کرد، این طهارت باقی است و شامل سایر اعمال نیز خواهد شد. بنابراین تیمم باقی است و نقض نشده است. این استظهار ما است و انحصار آن به تیمم نمازی خصوصیت ندارد.

### بررسی مسئله در فرض عدول نماز به نماز سابق

در ادامه می فرماید از آنچه گفتیم اشکال در مورد دیگری معلوم می شود. این جا سید خیلی کم لطفی کرده است:

« و مما ذكرنا ظهر الإشكال في جواز العدول من تلك الصلاة إلى الفائتة التي هي مترتبة عليها لاحتمال عدم بقاء التيمم بالنسبة إليها »<sup>۱</sup>

فرض کنید شخصی در حال خواندن نماز عصر است و نماز ظهر را فراموش کرده است؛ بعد که آب هم پیدا کرد متوجه می شود که نماز ظهر را نخوانده است، آیا می تواند عدول کند به نماز ظهری که یادش رفته است؟

مرحوم سید مشکل می دانند؛ زیرا روایات تنها طهارت همان نماز را درست می کنند. نماز ظهر گرچه متقدم است لکن یک نماز دیگری است. روایات فقط طهارت همین نماز را درست می کند لذا عدول به نماز ظهر باطل است و وقتی عدول باطل شد از آنجایی که ترتیب شرط است باید دوباره نماز ظهر و عصر را بخواند. ایشان فرموده است:

« و مما ذكرنا ظهر الإشكال في جواز العدول من تلك الصلاة إلى الفائتة التي هي مترتبة عليها لاحتمال عدم بقاء التيمم بالنسبة إليها »<sup>۱</sup>

نسبت به آن نماز دیگر اعتبار تیمم نشده است.

۱ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۶.



## مناقشه محقق خویی بر کلام سید

محقق خویی فرموده است: قبول کردیم مفاد روایات زراره و محمد بن حرمان انحصار مکفی بودن تیمم به همین نماز فعلی است. لذا برای نماز های بعدی نمی توان با این تیمم نماز خواند؛ ولی وقتی همین نماز را مصداق نماز با طهارت دانستیم، به معنای این است که نمازی که خوانده شده است صحیح است؛ بنابراین آن روایاتی که هنگام تذکر به نخواندن نماز ظهر حکم به عدول نماز می کردند منطبق بر این نماز می شوند؛ ما برای عدول، صحت را نیاز داریم، تا حکم صحت به این نماز تعلق گرفت، از هر نماز صحیحی می توان عدول کرد به نمازی که مقدم بر آن است. به نظر ما نیز درست فرموده است. کلام سید بسیار بعید است اینکه شارع بگوید با اینکه این نماز درست است ولی نمی توانید این نماز صحیح را ظهر قرار دهید. خود شارع در ادله ی عدول گفته بود نمازی که صحیح است می توان عدول نمود چرا باید این فرض را شامل نشود؟ در تنقیح ایشان اضافه کرده است فرموده است: سید یزدی فقط نماز های مترتبه را مطرح کرده است ولی مترتبه بودن نیز در نظر ما خصوصیتی ندارد. لذا می توان از نماز ظهر با همین فرض به نماز صبح نیز که قضاء شده است عدول کرد. سید نسبت به عدول به قضای نماز قبل اینگونه گفته است:

«ظهر الإشکال فی جواز العدول من تلك الصلاة إلى الفائتة التي هي مترتبة علیها»

مراد از فائتة، فائتة اصطلاحی نیست بلکه مراد نمازی است که نخوانده و فوت شده است و نماز بعدی مترتب بر آن است. نماز ظهر مترتب به خواندن قضای نماز صبح نیست گرچه بهتر است که اول قضای نماز صبح خوانده شود ولی صحت نماز ظهر مترتب بر آن نیست.

ممکن است کسی بگوید که آن نماز نیز مشمول همین حکم است. وقتی که مقتضای روایات استحباب خواندن قضای نماز صبح قبل از ظهر است می توان به نوعی اصطلاح مترتب را نسبت به آن نیز به کار برد. این نیز یک نوع ترتیب به حساب می آید. لذا می توان گفت که کلام سید نماز قضای صبح را نیز شامل می شود ولی روشن نیست و نمی توان به راحتی نسبت داد؛ زیرا ترتب معنایش این است که اگر آن خوانده نشود در خواندن نماز ظهر اشکال پیدا می شود. پس در بحث عدول به قضای نماز صبح سید اشکال می کند و محقق خویی مسئله را از این جهت بی اشکال می داند.

محقق خویی می فرمایند از جهت عدول مشکلی ندارد، از آن جهتی که سید می گوید تیمم برای این نماز است نه برای نماز معدول علیه، مشکل نداریم. ولی یک اشکالی مطرح می شود که آیا می توان با اینکه تمکن داریم که نماز قضا را با وضو به جا بیاوریم، با تیمم به جا آوریم یا خیر؟ بحث از این ناحیه مشکل است.

بنابراین طبق فرموده ی محقق خویی اشکال از این جهت است نه از جهتی که سید فرموده است.